

---

# سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی

---

گردآوری و تألیف

سعداله وارسته

نیاز دانش

سرشناسه	: وارسته، سعداله، ۱۳۴۸	Saadollah Varasteh
عنوان و نام پدیدآور	: سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی / گردآوری و تالیف سعداله وارسته؛ ویراستار علمی محمد طاهر دنگ کو.	
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲].	
مشخصات نشر	: تهران: نیاز دانش، ۱۳۹۵	
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص: مصور، جدول، نمودار.	
شابک	: 978-600-7724-64-4	
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا	
یادداشت	: کتاب حاضر تحت عنوان "سرمایه‌گذاری خارجی و تاثیر آن بر اقتصاد کشور میزبان" توسط نیاز دانش در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.	
موضوع	: سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) Foreign direct investment	
موضوع	: سرمایه‌گذاری خارجی -- سیاست دولت -- Investments, Foreign -- Government policy	
موضوع	: سرمایه‌گذاری خارجی -- خطر سنجی Country risk	
شناسه افزوده	: طاهر دنگ کو، محمد، ۱۳۶۳، ویراستار Taherdangkoo, Mohammad	
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ س ۴ و ۲/ HG۴۵۳۸	
رده‌بندی دیوبی	: ۳۳۲/۶۷۳	
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۶۰۸۵۶	



نام کتاب	: سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی
گردآوری و تألیف	: دکتر سعداله وارسته
ویراستار علمی	: محمد طاهر دنگ کو
مدیر اجرایی - ناظر بر چاپ	: حمیدرضا محمد شیرازی - محمد شمس
ناشر	: نیاز دانش
صفحه‌آرا	: واحد تولید انتشارات نیاز دانش
نوبت چاپ	: اول - ۱۳۹۵
شمارگان	: ۳۰۰ نسخه
قیمت	: ۲۰۰۰۰۰ ریال

ISBN:978-600-7724-64-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۲۴-۶۴-۴

هرگونه چاپ و تکثیر (اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و تهیهی CD) از محتویات این اثر بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است، متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

تماس با انتشارات: ۰۹۱۲۷۰۷۳۹۳۵-۰۹۱۲۷۰۷۳۹۳۵-۰۶۶۴۷۸۱۰۸-۰۶۶۴۷۸۱۰۶-۰۲۱

[www.Niaze-Danesh.com](http://www.Niaze-Danesh.com)

مشاوره جهت نشر: ۰۹۱۲-۲۱۰۶۷۰۹

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	فهرست مطالب
۷	پیشگفتار
۷	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱۸	منابع
۱۹	فصل ۱
۱۹	اثرات سرمایه‌گذاری خارجی بر اقتصاد کشور مبدأ و نیز میزبان
۱۹	۱-۱ مقدمه
۲۱	۲-۱ در زمان ایجاد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چه اتفاقی می‌افتد؟
۲۳	۳-۱ اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کشور مبدأ
۲۳	۱-۳-۱ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات‌های کشور مبدأ
۲۸	۲-۳-۱ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عامل تقاضای کشور مبدأ
۳۰	۳-۳-۱ صادرات کشور مبدأ و صادرات چندملیتی کشور مبدأ
۳۱	۴-۱ اثرات سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور میزبان
۳۱	۱-۴-۱ دستمزدهای کشور میزبان
۳۲	۲-۴-۱ مقایسه دستمزدها
۳۹	۳-۴-۱ سرریز دستمزدها
۴۰	۴-۴-۱ اثرات باقیمانده روی میانگین دستمزدها
۴۱	۵-۴-۱ بهره‌وری کشور میزبان
۴۳	۶-۴-۱ قیاس‌های بهره‌وری
۴۶	۷-۴-۱ سرریزهای بهره‌وری و دانش به شرکت‌های داخلی
۵۳	۸-۴-۱ صادرات و مقدمه صنایع جدید
۵۵	۹-۴-۱ رشد کشور میزبان
۵۸	۵-۱ نتیجه‌گیری
۶۰	منابع

۶۹	فصل ۲.....
۶۹	بررسی تاثیر <i>FDI</i> بر رشد و رفاه اقتصادی.....
۶۹	مقدمه.....
۷۷	بخش اول.....
۷۷	تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی.....
۷۷	۱ مقدمه.....
۸۰	۲ مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون <i>FDI</i> .....
۸۰	۱-۲ مطالعات بین‌المللی.....
۸۵	۲-۲ مطالعات داخلی (در ایران).....
۸۷	۳ کانال‌های تاثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی.....
۸۷	۱-۳ سرمایه‌ی انسانی.....
۸۸	۲-۳ توسعه‌ی بخش مالی.....
۸۹	۳-۳ بنگاه‌ها.....
۹۰	۴-۳ زیرساخت‌ها.....
۹۱	۴ الگو و روش تخمین.....
۹۱	۱-۴ الگو.....
۹۲	۲-۴ روش تخمین (سیستم <i>GMM</i> ).....
۹۴	۵ داده‌ها.....
۹۷	۶ آثار مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی.....
۹۷	۷ تاثیر شرایط تعامل عوامل داخلی بر رشد اقتصادی.....
۹۷	۱-۷ توسعه‌ی بخش مالی.....
۹۷	۲-۷ توسعه‌ی سازمانی.....
۹۸	۳-۷ توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی.....
۹۸	۴-۷ توسعه‌ی زیرساختی.....
۹۹	۸ بررسی استواری نتایج تحقیق.....
۱۰۰	۹ نتیجه‌گیری.....
۱۰۵	بخش دوم.....
۱۰۵	تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رفاه اقتصادی.....
۱۰۸	۲ مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون <i>FDI</i> و رفاه اقتصادی.....
۱۰۸	۱-۲ مطالعات بین‌المللی.....
۱۱۱	۲-۲ مطالعات داخلی (در ایران).....
۱۱۱	۳ نحوه تاثیرگذاری سرمایه‌گذاری خارجی بر رفاه اقتصادی (اندازه‌گیری رفاه اقتصادی).....

۱۱۴	۴ رفاه اقتصادی و مصرف
۱۱۶	۵ الگوی اقتصادسنجی و روش تخمین
۱۱۶	۵-۱ الگوی اقتصادسنجی
۱۱۶	۵-۲ روش تخمین
۱۱۷	۵-۳ الگوی رگرسیون چارکی
۱۱۸	۵-۴ مفهوم رگرسیون چارکی
۱۲۰	۵-۵ تخمین الگو
۱۲۱	۶ داده‌ها
۱۲۳	۷ آثار مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رفاه اقتصادی کشورهای SSA
۱۲۴	۸ آزمون‌های پایداری
۱۲۴	۹ نتیجه‌گیری بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر رفاه اقتصادی
۱۲۶	بحث و نتیجه‌گیری
۱۲۸	منابع فارسی
۱۲۸	منابع انگلیسی
۱۳۳	<b>فصل ۳</b>
۱۳۳	بررسی تاثیر <i>FDI</i> بر همگرایی اقتصادی و رشد بهره‌وری
۱۳۳	۱ مقدمه
۱۳۵	۲ مروری بر تحقیقات پیشین
۱۳۵	۲-۱ مطالعات بین‌المللی
۱۳۹	۲-۲ مطالعات انجام شده در ایران
۱۳۹	۳ روش بررسی تاثیر <i>FDI</i> بر همگرایی اقتصادی و رشد بهره‌وری
۱۳۹	۳-۱ تحلیل پوششی داده‌ها
۱۴۰	۳-۲ تجزیه پنج‌بخشی بهره‌وری نیروی کار
۱۴۳	۳-۳ ساخت بازده بالقوه خلاف واقع
۱۴۴	۴ داده‌ها
۱۴۶	۵ نتایج تجربی
۱۴۶	مرز و بازده تولید
۱۵۳	تجزیه‌ی پنج‌بخشی
۱۶۳	تحلیل توزیع بهره‌وری
۱۷۴	۶ نتیجه‌گیری - تاثیر <i>FDI</i> بر همگرایی و رشد بهره‌وری
۱۷۶	۷ انتخاب الگو در مقیاس بازده بهره‌وری با تاثیر بُعد
۱۷۶	۷-۱ مقدمه
۱۷۹	۷-۲ الگوهای غیرپارامتریک تولید

۱۸۰	شاخص‌های ناکارآمدی.....
۱۸۰	فرضیه‌ی صفر.....
۱۸۱	آماره‌های آزمون.....
۱۸۲	الگوریتم اول بوت‌استرپینگ: ارزیابی تأثیر بُعد.....
۱۸۵	شبیه‌سازی مونت کارلو.....
۱۸۶	۳-۷ توضیح تجربی با داده‌های NSW.....
۱۸۷	بی‌ارتباطی متغیرهای ورودی.....
۱۸۷	تأثیر بُعد.....
۱۸۹	۴-۷ آزمون تغییر بازده.....
۱۹۰	۵-۷ جمع‌پذیری متغیرهای ورودی.....
۱۹۰	۶-۷ نتیجه‌گیری.....
۱۹۳	<b>فصل ۴.....</b>
۱۹۳	تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر محیط زیست.....
۱۹۳	۱ مقدمه.....
۱۹۴	۲ مروری بر تحقیقات پیشین.....
۱۹۴	۱-۲ مطالعات بین‌المللی.....
۱۹۶	۲-۲ مطالعات انجام شده در ایران.....
۱۹۶	۳ نحوه محاسبه تأثیرات زیست محیطی.....
۱۹۸	۴ روش تحقیق.....
۱۹۸	۱-۴ مرحله‌ی اول DEA.....
۲۰۲	۵ داده‌ها.....
۲۰۳	۶ نتایج تجربی.....
۲۰۸	۷ بحث و ارزیابی.....
۲۰۸	۸ نتیجه‌گیری.....
۲۱۱	<b>فصل ۵.....</b>
۲۱۱	پیشنهاداتی برای مطالعه آتی.....
۲۱۱	منابع.....

## پیشگفتار

# سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

هنگامیکه شرکت و یا کشوری به راه‌اندازی شعبه‌ای جدید، شرکت محلی و یا سرمایه‌گذاری مشترک در اقتصاد کشور هدف جهت تجارت و یا تولید اقدام می‌کند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) شکل گرفته است.

سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً به دو طریق؛ سرمایه‌گذاری غیرمستقیم (سهامی) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد. خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع سرمایه‌گذاری سهامی (غیرمستقیم) به شمار می‌روند که در این حالت سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسئولیتی نیز متوجه او نیست. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در مؤسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت است. از منظر علم اقتصاد، این فعالیت در نقطه مقابل سرمایه‌گذاری در سهام قرار می‌گیرد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش رفاه اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال، توسعه صادرات، کاهش واردات و تاثیر مثبت در تراز پرداخت‌ها دارد.

از این رو با توجه به اهمیت موضوع، این کتاب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تمرکز داشته و هدف آن ارزیابی رشد و رفاه اقتصادی پس از وقوع سرمایه‌گذاری است. از منظر کارشناسان اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از مهمترین پدیده‌های اقتصادی سده حاضر است. پس از دهه ۱۹۸۰ این پدیده جهانی از رشد بسیار بالایی برخوردار بوده است، به گونه‌ای که نرخ رشد آن از نرخ رشد دیگر شاخص‌های اقتصادی مانند صادرات، تجارت، و تولید ناخالص ملی بیشتر بوده است. بر پایه گزارش‌های سالانه سازمان ملل متحد، مقدار سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰ دارای میانگین نرخ رشد سالانه بالغ بر ۲۹ درصد بوده است که نزدیک به سه برابر رشد سالانه صادرات جهانی در این مدت می‌باشد. در این خصوص نمونه و آماری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان را

می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا سال ۲۰۰۷ به ۱.۸ تریلیون دلار در ایالات متحده پیش از رکور حاصل از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ رسید. البته باید توجه داشت که در حال حاضر، سهام حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی فراتر از ۲۵ تریلیون دلار رسیده است و فروش جهانی شعبه‌های خارجی شرکت‌های چندملیتی (MNCs) مسئول در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو برابر کل صادرات جهانی شده است. همچنین یک سوم از تجارت جهانی نیز درون شرکت‌ها (یعنی معامله بین بخش‌های مختلف یک شبکه شرکتی چندملیتی) جریان دارد و بخش عمده‌ای از فناوری، درون سیستم‌های تولید چندملیتی یکپارچه جابجا می‌گردد. این امر باعث می‌شود شرکت‌های بین‌المللی برای ارائه کالاها و خدمات در سرتاسر جهان از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده کنند.

باید توجه داشت که برخی از انواع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای مدتهای طولانی وجود داشته‌اند و درک این مسأله، چندان دشوار نیست. در این بین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی نفت، مس، طلا و سایر منابع طبیعی به طور عمده تابع دانش زمین‌شناسی بین‌المللی است. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی مسیرهای راه آهن و خدمات همگانی جهان، ساده به نظر می‌رسد. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مزارع موز و کائوچو و در بخش‌های ساده‌ای چون منسوجات با مزیت نسبی نظریه تجارت وابستگی نزدیکی دارد.

همچنین باید اذعان کرد که در دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ شاهد انفجار جدیدی بودیم که همان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید و مونتاژ بود. تعداد شعبه‌های خارجی شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده به طور تقریبی از ۷۴۰۰ شعبه در سال ۱۹۵۰ تا ۲۳۰۰۰ شعبه در سال ۱۹۶۶ رسید، که سالیانه رشدی نزدیک به ۱۰ درصد داشته است. جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز از ۳ بیلیون دلار ایالات متحده در سال ۱۹۶۰ به ۸ بیلیون دلار ایالات متحده در سال ۱۹۷۰ رسید.

با این وجود، باید بررسی کرد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید و مونتاژ چه مشوق‌هایی دارد؟ این مقوله مورد ابهام و سردرگمی بوده است. جامعه اقتصاددانان جهانی برای بررسی در قالب تحلیل تجاری آموزش دیده بودند. جنبش شرکت‌های تولیدی در سراسر دنیا، مشابه یک پازل عمل می‌کرد، به این دلیل که تبیینی وجود نداشت و تبیین‌های رایج نیز آشکارا نادرست بودند؛ شاید به این دلیل است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جنبش سرمایه‌گذاری را از ناحیه وفور سرمایه به منطقه کمبود سرمایه هدایت می‌کند. اغلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از یک منطقه وفور سرمایه (ایالات متحده) به منطقه وفور سرمایه دیگری (اروپا) صورت می‌گرفت و به صورت پدیده سرمایه‌گذاری متقابل در میان مناطق وفور سرمایه (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در آلمان و بالعکس) بود، و شاید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فعالیت‌های کسب و کار از منطقه‌ای با دستمزد بالا به منطقه‌ای با دستمزد پایین باشد. اما باید اذعان کرد که غالب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از



منطقه‌ای با دستمزدهای بالا به سمت مناطق دیگری با دستمزدهای بالا بوده که این امر نیز سرمایه‌گذاری متقابل میان حوزه‌های دارای دستمزدهای بالا را به پیچیدگی پازل مذکور افزوده است. همچنین، پیشرفت غیره منتظره در دهه ۱۹۶۰ باعث شد شرکت‌ها در ساخت کارخانه‌ها و هماهنگی فعالیت‌ها در سرتاسر دنیا با مشکل مواجه شوند (به جای فروش ساده محصولات و یا صدور مجوز فناوری در بازارهای خارجی) به این دلیل که آنها دارایی‌های نامحسوسی داشتند که از طریق آن با کنترل تمامی فعالیت‌ها به سود بالاتری می‌رسیدند. بنابراین باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای راهبردی برای حفظ توانایی کسب اجاره بهای انحصاری در بازارهای رقابتی ناقص بین‌المللی است. در این راستا ریموند و رنون (۱۹۶۶) بیان می‌کنند که با "مدل چرخه تولید تجاری و سرمایه‌گذاری به ناهنجاری‌های سرمایه‌گذاری مستقیم" در تولید، حمله می‌شود. کارآفرینان سعی در ابراز نوآوری در بازار خانگی خود را دارند (در ایالات متحده و اروپا)، که در آنجا درآمد و سطوح دستمزد به نسبت بالا است و کارآفرینان موفق با ثروت‌های بادآورده انحصار طلب مواجه می‌گردند. اما تولید با گسترش تقاضا، استانداردهای سازی شده و عدم قطعیت از بین رفته و امکان تقلید برای رقبای داخلی امکان‌پذیر می‌شود. با تقاضای صادرات از جانب کشورهای دارای سطح دستمزد و درآمد بالا، اولین تماس با بازارهای خارجی برقرار می‌گردد. اما کارآفرینان داخلی با هزینه‌های حمل و نقل کمتر و توانایی سفارشی‌سازی محصولات، موقعیت بازار صادرکنندگان خارجی را به چالش می‌کشند. این تهدید شرکت صادرکننده باعث تصمیم‌گیری در جهت فعالیت در خارج از کشور می‌گردد (حرکتی که امنیت را فراهم می‌کند و بهتر از صدور گواهینامه برای رقبای بالقوه است) و به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منتهی می‌گردد. اولین مناطق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حیطه تولید، کشورهایی با سطوح دستمزد و درآمد بالا بوده است (کانادا، انگلستان و بازارهای اروپایی برای سرمایه‌گذاران ایالات متحده)؛ در این راستا روند معکوسی به طور همزمان برای شرکت‌های اروپایی به وقوع می‌پیوندد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته در اصل محرکی برای تقاضای محلی است، اما این امر به طور روز افزون شبکه‌های تأمین‌کننده‌ای را برای مؤلفه‌های مورد نیاز محصولات جهانی فراهم می‌کند.

در این بین نیز جان دانینگ (۱۹۷۷) به طور رسمی به ارزیابی سرمایه‌گذاری مستقیم در قالب "پارادایم التقاطی تولید بین‌المللی" پرداخت.

مزیت‌های مالکیت اختصاصی (O) مثل حقوق مالکیت و یا مزیت‌های دارایی نامحسوس، پیش نیاز تولید خارجی به شمار می‌روند. مزیت‌های موقعیت اختصاصی (L) نیز نشان‌دهنده توزیع منابع طبیعی، قیمت‌های ورودی، کیفیت نیروی کار و بهره‌وری می‌باشند. البته زیرساخت و مقررات تجاری به نفع یک ملت به عنوان مکان تولید در برابر ملت دیگر هستند. مزیت‌های مشوق درونی (I) نیز نشان‌دهنده اجتناب شرکت از مخاطرات مبادلات قراردادی مانند صدور مجوز است. در این بین، پارادایم OLI به دنبال

پیش‌بینی در مورد مشارکت کشورها، صنایع و یا شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیست، اما ادعا می‌کند که تمامی اشکال تولید بین‌المللی را می‌توان با استفاده از سنجش سه شرط مذکور تبیین کرد. بنابراین، در این تبیین و تبیین بعدی به دنبال توضیح فعالیت‌های تولید چندملیتی هستیم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید از راهبرد شرکت اصلی شروع می‌شود تا از توانایی سودآوری حاصل از کنترل شبه انحصاری بر دارایی‌های نامحسوس دفاع نموده و آن را توسعه دهد، با این هدف که بتواند از چالش‌های رقابت داخلی و فراتر از آن عبور نماید.

شناسه دیگری در دایره المعارف جهانی شدن به تبیین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه اقتصادی می‌پردازد. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع مرتبط با منابع طبیعی است و این امر به شدت مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین باید توجه داشت که شناسه مذکور، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تولیدی در کشورهای توسعه یافته را پوشش خواهد داد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حوزه خدمات در طبقه گسترده و بزرگتر سرمایه‌گذاری - خدمات مالی، خدمات تجاری، خدمات حقوقی، خدمات مشاوره، خدمات ساخت و ساز، خدمات مهندسی و مانند آن - قرار می‌گیرد که این امر نیازمند بررسی بیشتر است، و بطور دقیق در این شناسه دایره المعارف نمی‌گنجد.

تمرکز بر روی دارایی‌های نامشهود و رقابت ناقص در نظریه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تولیدی باعث یکنواختی طبیعی در شناخت ویژگی‌های برجسته شرکت‌های مشارکت‌کننده می‌گردد. این شرکت‌ها می‌خواهند بزرگ، تحقیق محور و توسعه یافته (R&D) باشند و بازاریابی مبتنی بر بازار را تشدید نمایند. در ایالات متحده، کارخانه‌های مرکزی چندملیتی از جمله؛ کارخانه‌های دارای بیشترین بهره‌وری به لحاظ بهره‌وری کلی کارخانه و بهره‌وری نیروی کار هستند. علاوه بر این، این کارخانه‌ها فناوری محور بوده و بالاترین دستمزدها را پرداخت می‌نمایند. منابع شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده، ۲۹ درصد از کل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در سال ۲۰۰۷ و ۷۴ درصد از کل تحقیق و توسعه بخش خصوصی ایالات متحده را برعهده داشتند (برفوت و ماتالونی، ۲۰۰۹). در حال حاضر، کارخانه‌های چندملیتی ایالات متحده، ۱۶.۶ درصد بهره‌وری نیروی کاری بیشتر از شرکت‌های بزرگ داخلی و ۴۴.۶ درصد بیشتر از شرکت‌های کوچک داخلی دارند. مقدار بهره‌وری کلی آنها ۴.۲ درصد بیشتر از شرکت‌های داخلی بزرگ و ۱۱.۱ درصد بیشتر از شرکت‌های کوچک است. همچنین طبق فهرست نظرسنجی فناوری تولیدی مشتمل بر ۱۷ فناوری تولیدی پیشرفته، شرکت‌های چندملیتی از فناوری‌های بیشتری در مقایسه با شرکت‌های بزرگ و یا کوچک داخلی بهره می‌برند.

در این بین، شرکت‌های چندملیتی اروپایی نیز ویژگی‌های مشابهی را نشان داده‌اند. شرکت‌های چندملیتی اروپایی، بزرگتر، سودآورتر و سازنده‌تر از سایر شرکت‌های اروپایی هستند. آنها دارای نرخ رشد بهره‌وری بالاتر و نرخ بقای بیشتری می‌باشند. در ژاپن نیز شرکت‌های چندملیتی ژاپنی، دارای بهره‌وری

بسیار بیشتر و فناوریانه‌تر از تمامی شرکت‌های ژاپنی هستند.

مبحث جالب و قابل توجه آنست که شرکت‌های چند ملیتی که بطور عمده تبدیل به موسسات جهانی شده‌اند؛ به سمت اقتصاد داخلی خودشان گرایش دارند و بازار خارجی برای استفاده از مزیت تکمیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این ارتباط می‌توان اشاره کرد که در سال ۲۰۰۷ (بررسی ۹۰ درصد از سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی)، کل ارزش افزوده شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده برابر با ۳۰۶ میلیارد دلار بود که ۷۰ درصد آن در ایالات متحده و ۳۰ درصد باقیمانده در خارج از ایالات متحده بود. آنها ۲۲ میلیون کارگر در ایالات متحده و ۱۰ میلیون در خارج از آن داشتند. در همان سال، شرکت چند ملیتی ایالات متحده از شرکت‌های داخلی آمریکا به مبلغ ۶ میلیارد دلار خریداری شد که تقریباً برابر با ۸۹ درصد از کل خریدها بود. تمرکز شرکت‌های چند ملیتی بر روی شرکت‌های داخلی تنها محدود به شرکت‌های ایالات متحده نمی‌شد. از بین ۵۰۰ مورد از بزرگترین شرکت‌های چند ملیتی در سرتاسر جهان (بررسی ۹۰ درصد از سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی) ۳۲۰ مورد از آنها به طور میانگین، ۸۰ درصد از فروش خود را در منطقه خودشان؛ اعم از اروپا، آسیا و یا آمریکای جنوبی انجام می‌دادند.

از این رو، باید اذعان کرد که تولید چند ملیتی در وهله اول به نفع اقتصاد داخلی خود آن کشورها است. نقش اصلی شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد داخلی، جمع‌آوری فعالیت اقتصادی در مسیرهای منتهی به استانداردهای داخلی حیاتی است. همچنین، منفعت در تولید کالاها و خدمات جدیدتر، بهتر، ارزانتر و معتبرتر توسط شرکت‌های چند ملیتی و واردات خارجی آنها و حاصل از رقابت اقتصادی این شرکت‌ها در سطح وسیع‌تر است. اما باید توجه داشت که معیار ارزیابی اصلی دیگر شامل تولید مشاغل خاص و فعالیت‌های ویژه‌ی شرکت‌های چند ملیتی در داخل کشور است. در ارتباط با ایالات متحده، شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده دارای افزایش استخدام و بازده بیشتری به همراه افزایش در سهم بازده کلی ایالات متحده و کاهش سهم تقریبی استخدام کلی ایالات متحده هستند. شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده در سال ۱۹۸۲ (اولین سالی که اطلاعات استخدام سالیانه جمع‌آوری شد) ۱۸.۷ میلیون کارگر آمریکایی (۲۵ درصد از کل نیروی کار) و در سال ۲۰۰۷، ۲۲ میلیون کارگر (۱۹ درصد از کل نیروی کار) را استخدام نمودند. در سال ۱۹۹۴ (اولین سالی که داده‌های سالیانه جمع‌آوری شد)، ارزش بازده داخلی شرکت‌های چند ملیتی برابر با ۱.۳ تریلیون دلار ایالات متحده یا ۲۴ درصد از بازده خصوصی ایالات متحده بود؛ در سال ۲۰۰۷، ارزش بازده داخلی ایالات متحده برابر با ۲.۶ تریلیون دلار یا ۲۴ درصد از کل بازده خصوصی ایالات متحده بود. بنابراین، شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده با توجه به بهره‌وری بالاتر، دستمزدهای ۷-۱۵ درصد بیشتر از دستمزدهای کارخانه‌های داخلی پرداخت می‌کردند. در سالهای اخیر با توجه به داده‌های به دست آمده (۲۰۰۷) شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده، کالاها را از ایالات متحده به ارزش ۵۵۹ میلیارد دلار صادرات نمودند که تقریباً برابر با نیمی

(۲۹٪) از کل صادرات ایالات متحده در سال ۲۰۰۷ و بیشتر از نیمی (۵۱٪) از صادرات در سال ۲۰۰۶ است. بدین صورت که ۲۱۵ میلیارد دلار (۳۸٪) از این مقادیر به طور مستقیم از کارخانه‌های ایالات متحده به شعب خارجی آن صادر شد.

همچنین تولید چندملیتی برای سایر کشورهای توسعه یافته نیز سودآور است. این امر را می‌توان به وسیله‌ی داده‌های جمع‌آوری شده از جانب دفتر تحلیل اقتصادی ایالات متحده برای سرمایه‌گذاری وارد شده در ایالات متحده، مشخص نمود. در سال ۲۰۰۶ (آخرین داده‌های در دسترس)، شعب چندملیتی خارجی ایالات متحده از کانادا، انگلستان، اروپا و آسیا، مالک دارایی ۵.۵ تریلیون دلاری بودند که با تولید ۵۱۵ میلیارد دلاری کالا و خدمات در ایالات متحده همراه بود، ۶.۱ درصد از کل بازده خصوصی ایالات متحده را در بر می‌گرفت و ۳.۸ درصد نسبت به سال ۱۹۸۸، افزایش داشت. شعب چندملیتی خارجی ایالات متحده دارای ۵.۳ میلیون کارمند، برابر با ۴۶ درصد از نیروی کار ایالات متحده بود که از سال ۱۹۸۸، ۳.۵ درصد افزایش داشت. آنها سهم عمده‌ای از صادرات ایالات متحده (۱۹٪)، هزینه‌های مالی فیزیکی (۱۰٪) و هزینه‌های تحقیق و توسعه (۱۴٪) را در بر می‌گرفتند.

کارخانه‌های دارای مالکیت خارجی در ایالات متحده برای بالا بردن استانداردهای زندگی از طریق ارتقاء دستیابی به مشاغل خوب، هزینه‌بر، سازنده‌تر، دارای سهم بالاتری از کارگران و دستمزدهای بالاتری در مقایسه با میانگین کارخانه‌های متعلق به ایالات متحده هستند. کنترل کارخانه‌های دارای مالکیت خارجی در ایالات متحده از لحاظ صنعت، اندازه، سن و وضعیت (موقعیت مکانی)، هنوز نیز نشان‌دهنده ویژگی‌های اجرایی برتر در مقایسه با کارخانه‌های دارای مالکیت داخلی است. عملکرد شعبه‌های خارجی در وهله دوم قرار دارد و وابسته به عملکرد کارخانه‌های چندملیتی آمریکایی ایالات متحده بود. همچنین، کارخانه‌های دارای مالکیت خارجی در ایالات متحده ۲.۵ تا ۷ درصد دستمزد بالاتری نسبت به کارخانه‌های داخلی پرداخت می‌کنند. به طور ویژه، هفت مورد از ۸ مورد شرکت‌های خارجی دستمزد، حقوق و در مجموع میانگین پرداختی بالاتری نسبت به شرکت‌های فرعی ایالات متحده دارند (پردازش مواد غذایی، مواد شیمیایی، محصولات معدنی، مواد اولیه و فلزات، ماشین آلات، کامپیوتر و محصولات الکترونیکی) تنها استثناء موجود در بخش حمل و نقل است که دستمزدها، حقوق‌ها و کل پرداختی آنها اندکی پایین‌تر از شرکت‌های همتای داخلی است. سرمایه‌گذاران خارجی در ایالات متحده در مقایسه با سایر شرکت‌های مشابه هزینه بیشتری صرف تحقیق و توسعه می‌نمایند که این مقدار نیز کمتر از نوع مخارج تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده است (بیشترین مخارج تحقیق و توسعه در تمامی شرکت‌های ایالات متحده). در بخش‌های فرعی - تولید کامپیوتر و تجهیزات ارتباطی (شامل تجهیزات مخابراتی) - شعبه‌های شرکت‌های خارجی، سهم ارزش افزوده بیشتری برای تحقیق و توسعه در مقایسه با شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده در بخش فرعی مشابه قائل هستند.

البته چه به دلیل مخارج تحقیق و توسعه و یا به دلیل واردات تحقیق و توسعه خارجی، جریانهای

ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به ایالات متحده شامل کانال مهمی برای سرریز فناوری به شرکت‌های داخلی، به ویژه در بخش‌های دارای فناوری بالا، است. در این راستا، ولفگانگ کلر و استفن ییل (۲۰۰۹) رشد کلی بهره‌وری شرکت‌های ایالات متحده بین سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۶ را ۸ تا ۱۹ درصد محاسبه نمودند که برگرفته از حضور رو به رشد سرمایه‌گذاران غیر آمریکایی در اقتصاد ایالات متحده بود. همچنین تأثیر مثبت به طور نامتناسبی در بخش‌های دارای فناوری بالا در ایالات متحده بیشتر است که شامل بخش‌های مواد شیمیایی، کامپیوتر و تجهیزات اداری، قطعات الکترونیک، ابزارهای علمی و پزشکی می‌باشند.

در مجموع، فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی (خواه شرکت‌های مرکزی در کشورهای توسعه یافته و یا فعال در زمینه سرمایه‌گذاری داخلی در کشورهای توسعه یافته باشند) مشارکت ارزشمند و فعالی در اقتصاد محلی دارند. با این وجود، سیاست‌گذاران تا حد امکان به چگونگی دریافت سهام عمده مشارکت‌ها اهمیت می‌دهند و از هر آسیب احتمالی و یا عوارض جانبی مضر یا مخرب روند سرمایه‌گذاری خارجی اجتناب می‌نمایند. در این راستا دو پرسش عمده مطرح می‌شود که عبارتند از:

- آیا سرمایه‌گذاری خارجی توسط شرکت‌های چندملیتی داخلی به رفاه داخلی کشور صدمه می‌زند، سرمایه کشور را از بین می‌برد و مشاغل کشور را صادر می‌نماید؟
- هنگامیکه سرمایه‌گذاران خارجی به دنبال ایجاد شرکت داخلی هستند، تهدید امنیت ملی برای کشور ایجاد می‌نمایند یا خیر؟

در این بین، نظر محبوب در کشورهای توسعه یافته، سرمایه‌گذاری خارجی را به عنوان پدیده مجموع صفر می‌داند که در آن شرکت‌های چندملیتی در داخل کشور و یا در خارج از آن سرمایه‌گذاری نموده و کارخانه می‌سازند، و یا از کشور خارجی واردات انجام می‌دهند و یا به کارخانه‌های خارج از کشور صادر می‌نمایند. از این رو، راهبردهای کسب و کار به سرمایه‌گذاری در داخل و خارج از کشور به صورت پدیده‌ای مکمل می‌پردازد که در آن شرکت اصلی به بهینه‌سازی کاربرد رقابتی تمامی دارایی‌های مولدش به طور همزمان خواهد پرداخت. در هر دو حالت، هزینه‌های نسبی و بهره‌وری کارگران، نقش مهمی دارند اما این دو دیدگاه از این لحاظ که آیا سرمایه‌گذاری خارجی باعث ضعف شرکت داخلی یا قوت رقابت اقتصاد داخلی می‌گردد با یکدیگر متفاوت است. اما باید توجه داشت که این امر قطعاً رشد و رفاه اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه به همراه دارد و از چند دیدگاه که هدف اصلی این کتاب است می‌توان آن را بررسی کرد.

دقت این دیدگاه‌ها به لحاظ تجربی قابل آزمودن می‌باشند. هدف، سنجش شرایط شرکت‌ها، کارگران و جوامع داخلی در صورت عدم وقوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و یا عدم توسعه آن است. روش اصلی برای انجام این آزمایش، بررسی رقابت انواع شرکت‌های مشابه در سرمایه‌گذاری خارجی است. رقابتی بودن توسط موفقیت در صادرات از بازار داخلی ارزیابی می‌گردد. از این رو، برای اجرای

دقیق آزمایش، مقایسه موارد مشابه دارای اهمیت است: عملکرد صادراتی شرکت‌های بزرگ که در خارج سرمایه‌گذاری می‌نمایند در مقایسه با شرکت‌های بزرگ داخلی چگونه است؟ عملکرد صادراتی شرکت‌های دارای تحقیق و توسعه برتر که در خارج سرمایه‌گذاری می‌کنند، در مقایسه با شرکت‌های دارای تحقیق و توسعه برتر داخلی چگونه است؟ چگونه عملکرد صادراتی شرکت‌ها در صنایع مشابه به عنوان تابعی از سرمایه‌گذاری خارجی آنها، متفاوت است؟

داده‌های به دست آمده از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، سوئد و ژاپن، به طور متوالی نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های داخلی به گونه‌ای رقابتی با شرکت‌های داخلی فاقد سرمایه‌گذاری خارجی است (مارکوسن و مارکوس، ۲۰۰۳). سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش حضور در بازارهای بین‌المللی می‌گردد و این حضور بین‌المللی بیشتر را در خدمت اقتصاد داخلی به کار می‌گیرند. البته این نکته را باید در نظر داشت که شرکت‌های داخلی با ماندن در بازار داخلی، عملکرد چندان خوبی ندارند و کارکنان و جوامع آنها در مقایسه با سایر شرکت‌ها، با سختی مواجه می‌شوند.

شرکت‌های داخلی که در خارج و داخل کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند (داده‌های حاصل از ایالات متحده)، در مقایسه با شرکت‌های داخلی مشابه که کارخانه‌ها و سایر تأسیسات را در خارج از کشور احداث نمی‌نمایند، رفتار مشابهی با شرایط رفتار صادراتی ندارند (دسای و همکاران، ۲۰۰۵). این استقرار سرمایه در شرکت‌های داخلی ایالات متحده که سرمایه بیشتری را در خارج هزینه می‌کنند (تا سرمایه داخلی خود را افزایش دهند) حاکم است. به ویژه شرکت‌های ایالات متحده که در چین سرمایه‌گذاری می‌کنند به دنبال سرمایه‌گذاری بیشتر در اقتصاد ایالات متحده هستند (برنستتر و فولی، ۲۰۱۰).

در نهایت، شرکت‌های ایالات متحده که درگیر سرمایه‌گذاری خارجی هستند، به احتمال بیشتر از فناوری‌های متمایز، مدیریت و تکنیک‌های کنترل کیفی در مقایسه با سایر شرکت‌های داخلی استفاده می‌نمایند. در نتیجه، کمتر از ورشکستگی رنج خواهند برد. همچنین کارگران سازنده‌تری دارند و دستمزدها و مزایای بیشتری پرداخت می‌کنند.

به طور خلاصه، سرمایه‌گذاری خارجی باعث تقویت شرکت‌ها، کارگران و جوامع مرتبط با سرمایه‌گذاری می‌گردد. اگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منع و یا به تأخیر افتاده باشد، شرکت‌های داخلی، کارگران و جوامع، عملکرد نامناسب و نه چندان خوبی خواهند داشت.

بنابراین باید اطمینان داشت که هر صنعت دارای سرمایه‌گذاری خارجی طبق شبکه‌ای در حال توسعه است. برخی در حال توسعه، برخی در حال عقد قرارداد و برخی به سادگی در حال تغییر موقعیت فعالیت‌های اجرایی در اقتصاد داخلی هستند. کارخانه‌ها ساخته می‌شوند و متروکه می‌مانند، کارگران استخدام می‌شوند و اخراج می‌گردند. آنچه که در این بین قابل توجه است، مشارکت جهانی این شرکت‌ها از طریق واردات، صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که نشان‌دهنده عملکرد داخلی بهتر آنها در داخل کشور نسبت به سایر شرکت‌های همتای فاقد سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

بنابراین، چگونه می‌توان تهدیدات امنیت ملی احتمالی را از ادعاهای غیرمحمتملی که کسب و کار

خارجی را تهدیدی برای امنیتی می‌داند، جدا کرد؟ (موران، ۲۰۰۹).

همچنین باید توجه داشت که خسارت احتمالی به امنیت ملی در اثر کسب و کار خارجی در سه طبقه قرار می‌گیرد: طبقه اول تهدید (تهدید اول)، به این صورت است که کسب و کار پیشنهادی می‌تواند کشور محل شرکت را وابسته به تأمین‌کننده خارجی کالاها و یا خدمات نماید که این کالاها و خدمات برای عملکرد اقتصادی حیاتی هستند (نه به طور انحصاری اما شامل صنایع دفاعی می‌باشند) و باعث تأخیر، ممانعت و یا اعمال شروطی برای تأمین این کالاها و یا خدمات می‌گردند. طبقه دوم تهدید (تهدید دوم)، این است که کسب و کار پیشنهادی می‌تواند امکان انتقال فناوری و یا سایر تخصص‌ها را از نهاد خارجی توسط شرکت یا دولت به شیوه‌ای مضر برای منافع ملی کشوری، فراهم کند. طبقه سوم (تهدید سوم)، به این صورت است که کسب و کار پیشنهادی قابلیت بالقوه‌ای را برای نفوذ، نظارت و یا خرابکاری از طریق یک عامل انسانی و یا غیرانسانی در زمینه ارائه کالا و یا خدمات مهم اقتصادی فراهم می‌نماید. در ارتباط با تهدید اول، احتمال ارائه کالا و یا خدمات با بالاترین هزینه و یا تعیین شروطی از جانب تولیدکننده (یا کشورش) در زمینه ارائه کالاها و خدمات وجود دارد. همچنین صنعت باید به طور کامل متمرکز باشد، تعدادی جایگزین محدود مشخص گردند. در این بین، جابجایی هزینه بالایی وجود دارد. شواهد حاصل از ایالات متحده نشان می‌دهند که تهدید اول تنها در زمینه کالا و خدمات تولید شده توسط شرکت و حیاتی برای کشور داخلی شرکت نیست. به عنوان مثال، هنگامیکه شرکت روسی اوراز توسط رومن آبراموویچ کنترل می‌شد، ذخیره فولاد اورگان مطرح شد، در حالیکه فولاد از جمله مواد اولیه بسیار مهم برای ایالات متحده بود: فولاد، جزء اصلی بیش از ۴۰۰۰ نوع تجهیزات نظامی، کشتی‌های جنگی، تانک‌ها و سلاحهای جنگی و اجزای سیستم‌های دفاعی است. دسترسی بی وقفه به فولاد، برای عملکرد روزانه اقتصاد غیرنظامی ایالات متحده نیز حیاتی است. اما باید توجه داشت که صنعت بین‌المللی فولاد به نسبت غیرمتمرکز است و هزینه‌های انتقال برای محصولات فولادی غیرتخصصی اندک می‌باشد. چهار کشور صادراتی برتر، تنها ۴۰ درصد از تجارت جهانی فولاد را بر عهده دارند. منابع جایگزین تأمین‌کننده، به طور گسترده در ۱۰ کشور پراکنده‌اند که بیش از ۱۰ میلیون صارت دارند (ژاپن، روسیه، اوکراین، آلمان، بلژیک - لوکزامبورگ، فرانسه، کره جنوبی، برزیل، ایتالیا و ترکیه). ۲۰ تولیدکننده دیگر نیز بیش از ۵ میلیون تن صادرات را بر عهده دارند. به طور قطع، صنعت مواد اولیه برای اقتصاد ملی ایالات متحده و منافع امنیتی حیاتی است. اما چند برابر شدن منابع تأمین‌کننده در سرتاسر جهان به معنای احتمال واقعی مزایده فولاد از ایالات متحده توسط تولیدکننده خارجی (مثل روسیه) و یا گروهی از تولیدکنندگان و یا وضع مشروطی برای خریداران ایالات متحده و یا برای حکومت ایالات متحده نیست. به تهدید دوم باز می‌گردیم، آیا کسب و کار خارجی می‌تواند شرکت و یا دولت آن را وادار به انتقال توانایی به شخص ثالث نماید، البته با توجه به اینکه این امر به گستردگی تولید اضافی و یا تخصص مدیریتی و مقدار تفاوت میان این کسب و کار اطلاعات آن وابسته است. نمونه‌ای ابتدایی از این تهدید در یک مورد قدیمی کسب و کار، موشک LTV توسط توماس - جی اس اف فرانسوی در سال ۱۹۹۲ قابل

مشاهده است. قابلیت‌های موشک LTV به حد کافی به قابلیت‌های چند تولیدکننده که توماس - جی اس اف به سادگی آنها را در هر جایی به دست می‌آورد، نزدیک بود. با این حال، سه خط تولید - پرتاب موشک چندگانه MLRS، پرتاب موشک دور برد ATACM و موشک ضد تانک LOSAT - دارای جایگزین قابل ملاحظه‌ای نبودند و یکی از خطوط تولید - شامل رهگیر موشک ضد تاکتیکی ERIM - شامل فناوری برتری بود که حداقل یک نسل فراتر از سیستم‌های رقیب و منحصر به فرد آن زمان به شمار می‌رفت. همچنین ۵۸ درصد از مالکیت توماس - سی اس اف متعلق به دولت بود و در هر صورت تحت دستورات دولت فرانسه برای مدت زمان طولانی طراحی شده بود. شرکت توماس - جی اس اف قبلی به لیبی و عراق فروخته شد که در آن زمان تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان منافع ملی آنها با فرانسه و ایالات متحده وجود داشت: موشک کروتالی توماس، هواپیمای گم شده ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ را هدف قرار داد، ایالات متحده به بیماران طرابلس پرداخت و رادار توماس، هشدار پیشرفته‌ای را به عراق در جنگ اول خلیج فارس ارائه داد. اعتراض‌های ایالات متحده به توماس - جی اس اف نشان‌دهنده نگرانی مهم در قبال قابلیت‌های منحصر به فرد آن برای آسیب به منافع ملی کشور است.

کسب و کار لنوو در زمینه تجارت کامپیوتر IBM متناسب با نوع صنعت نیز از سنجش تهدید دوم می‌باشد، در حالیکه به نتیجه مخالفی می‌رسد. در این زمینه سوالات بسیاری از جمله؛ آیا کسب و کار لنوو می‌تواند باعث نگرانی در قبال قابلیت‌های چین گردد؟ مطرح است. همچنین باید توجه داشت که رقابت میان تولیدکنندگان کامپیوترهای شخصی به اندازه‌ای شدید است که فناوری تولیدی باید به عنوان پایه مشخصی در نظر گرفته شود؛ بیش از یک دوجین تولیدکننده کامپیوتر، ۵۰ درصد از بازار را اشغال نموده‌اند اما برای مدت زمان طولانی، در بازار غلبه نیافته‌اند. مونتاژ کامپیوتر شخصی کمتر از برخی اجزاء صنایع نرم افزاری و یا سخت افزاری متمرکز است. هنوز هم کسب و کارهای خارجی مثل اینتل و سیسکو مایه نگرانی ایالات متحده هستند، اما پیشنهاد برای به دست آوردن مونتاژ کار کامپیوتر شخصی حتی توسط شرکت چینی، دارای روابط نزدیک با دولت داخلی، نباید مایه نگرانی باشد. همچنین به نظر می‌رسد که کسب و کار کامپیوتر شخصی IBM، لنوو، نمی‌تواند باعث رکورد فناوری شده و یا نرم‌افزاری نظامی را در اختیار چین قرار دهد، از این رو قابلیت‌های کاربری دو گانه در هر جای دیگری نیز دور از دسترس به نظر می‌رسند.

بنادر جهانی دوبی (DWP) نیز نگرانی‌هایی را در قبال تهدید سوم فراهم می‌نمایند؛ یعنی کسب و کار خارجی می‌تواند موقعیتی را فراهم کند تا مالک جدید (شرکتی با روابط نزدیک با امارات متحده عربی) کمتر مراقب نیروهای دشمن از طریق نفوذ در عملیاتهای شرکت باشد و یا حتی می‌تواند باعث تسهیل در همدستی یا خرابکاری گردد. DWP در سال ۲۰۰۵ به دنبال دستیابی به شرکت بریتانیایی دریا نوردی استیم اورنتال و پنینسولار (P&O) بود. دارایی اصلی شرکت P&O، مالکیت تأسیسات پایانه و یا اجاره آنها به بخش‌های متنوع در سرتاسر جهان از جمله تأسیسات ۶ گانه ایالات متحده شامل بالتیمور،



هیوستون، میامی، نیواورلئان، نیوآرک و فیلادلفیا بود. کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات متحده (CFIUS) تنها پس از دریافت نامه اطمینان وزارت امنیت داخلی به همراه تأیید دفاتر مرکزی بنادر جهانی دویی مبنی بر اینکه بنادر دویی باید با تمامی نهادهای ایالات متحده همکاری نموده و تحت نظارت و مدیریت آنها فعالیت نمایند، این کسب و کار را تأیید کرد و تعهد دریافت کرد که باید مسئول شرکتی بنادر جهانی دویی در تماس با وزارت دفاع آمریکا در زمینه تمامی موضوعات امنیتی باشد تا اطلاعات مورد نیاز در هر جایی در اختیار وزارت دفاع قرار گیرد و به ارگانهای حقوقی ایالات متحده در زمینه‌ی موضوعات مرتبط با بخش امنیت از جمله در تأمین اطلاعات درخواستی سازمانهای ایالات متحده همکاری شود علیرغم اینها خشم خصمانه کنگره‌ی آمریکا در قبال بنادر جهانی دویی منجر به بازپس‌گیری کسب و کار مطرح شده گردید.

مسئولان عمومی و سایر تحلیل‌گران در هر کشوری می‌توانند برای سنجش بروز تهدید در اثر مبادلات خارجی به ارزیابی اهمیت کالاها و یا خدمات عرضه شده بپردازند، به این صورت که اگر نظارت نادیده گرفته و دستکاری صورت گیرد چه هزینه‌هایی به همراه خواهد داشت و یا اینکه دولت خریدار خارجی از کسب دانش اختصاصی یا فناوری چه سودی می‌برد و یا چه آسیبی به شرکت یا شبکه تجاری وارد می‌گردد. در اصل این ارزیابی باید در هر مورد با سنجش ثانویه در زمینه ارزیابی میزان در دسترس بودن تولیدکنندگان جایگزین و سهولت جابجایی میان آنها هموار شود. هنگامیکه رقابت میان تولیدکنندگان بالاست و هزینه‌ی جابجایی میانشان اندک است، منطق امنیت ملی اجازه توقف کسب و کار را نمی‌دهد و مقدار اهمیت کالاها و خدمات برای شرکت هدف مطرح نیست.

بنابراین پس از درک این بخش به این نتیجه اساسی خواهیم رسید که کاربرد چهارچوب سنجش تهدید باعث تداوم بهره‌وری سایر شرکت‌ها از مشارکت‌های مثبت سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد. در ادامه برای درک بهتر تاثیرات FDI، به اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی کشور میزبان و کشور مبدأ می‌پردازیم.

تا بدین جا به این فهم مختصر رسیدیم که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چه تاثیری بر بخش‌های مختلف دارد. باید اذعان کرد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حوزه‌ای است که بر جوامع توسعه یافته و کمتر توسعه یافته، جهانی شدن اقتصاد؛ جهانی شدن، صنعتی شدن؛ نیروی کار و شغل؛ آزادسازی؛ برونسپاری دریایی، تمرکز داشته و هر یک از شاخه‌های آن دارای جذابیت است. اما به جهت اهمیت این کتاب به ارزیابی سطح رفاه و رشد اقتصادی و نحوه اثبات آن می‌پردازد. در نهایت و با توجه به اهمیت بحث، تاثیر FDI بر محیط زیست نیز بررسی می‌گردد.